

فلسفه یازدهم - درس چهارم - آغاز تاریخی فلسفه - زرین کلاه / شیراز اردیبهشت

۱- فلسفه آغاز تاریخی خاص ندارد مانند همه دانش ها

۲- معلوم نیست فلسفه ابتدا از چه مکانی پدید آمده - مانند همه دانش ها

۳- در هر تمدنی ، افرادی درباره اساس ترین مسایل بشر (مسایل فلسفی) اندیشیده اند

۴- تمدن های قدیمی و ساده **مقدمه و پلکان** تمدن های جدید هستند

۵- ایران باستان سرزمین فلسفه خیز بوده ← **قبل از یونانیان**

↓
نمونه آن ← **گاتاها** است
سروده زرتشت
در دوره سهروردی ← در دوره کنانیان ایرانیانی پوره اند که فلسفی
من اندیشیده اند و دارای سلوک معنوی پوره اند

۶- در تمدن های چین ، هند ، بین النهرین ، مصر فلسفه رواج داشته است

← مانند اوپانیسادهای (متون هندو)

نمونه های از متون فلسفی از حکمای قدیم

۱- اوپانیسیاد ← باید به خود نگاه کرد ، به خود گوش کرد و به خود اندیشید ← **خودشناسی**

با نگاه به خود و گوش کردن به خود و واقعیت دادن به خود هستی
شناخته می شود ← **خودشناسی مقدمه جهان شناسی و فلسفه اولی**

۲- لائوتسه ← بی حد و بی تمام پابرجاست ، بی صدا و بی جسم ، تنز - ثابت و غیر متغیر

اوراتا تائوسی نامم ← **توصیف مبداء وجود**

۳- در آغاز دو معنای نیک و شر پوره اند آنرا را با هم و توأمان می شناسند

فلسفه اخلاق ← در اندیشه - گفتار و کردار
کسی بسیار آن نیک را انتخاب می کنند ، نه گمراهان

فلسفه در یونان ← **مهر تفکر فلسفی نامیده شده**

← چون ← اولین مجموعه‌های فلسفی از آنجا است
← در آنجا دانش فلسفه شکل گرفت
← تفسیر عقلانی جهان رایج شد

زادگاه فلسفه یونان ← **ایونیا** ← **واقع در آبیای صغیر** ← ترکیه کنونی

← عرقون قبل از میلاد ← مباحث فلسفی پایه‌گذاری شد
← اولین فیلسوفان پایه عرصه وجود گذاشتند
لفظ فلسفه آن زمان رایج نبود
در زمان سقراط سوزیایز افتاد

انگاز شکل‌گیری فلسفه با ← اندیشیدن در مورد دگرگونی‌های طبیعت
انزیشنندان آبیای صغیر
← سعی در تحلیل عقلانی دگرگونی‌ها

نخستین اندیشمند یونانی که اندیشه فلسفی مشخص داشته است

در قرن ششم قبل از میلاد - تاریخ مرگ و تولد او مشخص نیست

۱- تالس ← او در قرن ۵۸۵ قبل از میلاد خورشید گرفتگی سال ۵۸۰ قبل از میلاد

را پیش‌بینی کرد
او به دنبال یافتن مبداء تغییرات دگرگونی‌ها بود

او عنصر و پایه و اساس همه چیز را آب می‌دانست

دین او ← منجم شدن آب - و روشن‌گرگیاها نرس از نزول باران

پایه گذار ریاضی و هندسه - یکی از پایه‌گذاران فلسفه

ریاضیات را با فلسفه و عرفان در آمیخت ← و یک دستگاه فلسفی بنیان

گفته اسطود درباره ← **فیثاغوریان** ← خود را وقف ریاضیات کردند

← از نظر آن

اصول اعداد و ریاضی

در باره همه موجودات صادق است
← عناصر اولی همه موجودات هستند

لفظ فلسفه، تئوری را و اولین بار بکار برده
لفظ کیهان را و نخستین بار برای جهان استفاده کرد

اموری که باهم ضد هستند باهم جمع می شوند
لے مانند دو نیمه خالی و پر لیوان
لے مانند سر بالایی و سر آزاری

وحدت اضداد

وجود اضداد ← **جهان را می سازد**

گرنیزی از بشیر و تضاد نیست

همه چیز در **تکلیان و حرکت** است

هیچ چیز ثابتی در جهان وجود ندارد

دانشی جهان ← دگرگونی ← قانون کائنات است

لے بر همه چیز فرمان می راند

در یک رودخانه نمی توان دوبار شنا کرد

بنابر تغییر و حرکت دائم آن

۳- هرآکتیوس

تغییر و تحول

دانشی جهان

به نقل افلاطون ← سقراط در جوانی با او ملاقات کرده است

عرضه فلسفه ← به زبان شعر - توصیف شاعرانه عقاید خود

دقت و توجه عمیق به مفهوم بودن و شدن (وجود و حرکت)

لے مفاهیم اصلی فلسفه

هستی یک امر ثابت است **حرکت و شدن** ندارد

در جهان واقع نیستی راه ندارد - **نستی هست** لے یک وجه متناقض

حقیقت هستی لے یک واقعیت بدون تغییر، جاودان و فنا ناپذیر است

لے با حواس قابل درک نیست - با تفکر عقلی می توان

آزاد دریافت

حواس ← فقط قادر به نشان دادن امور متغیر است

لے مرتبه ظاهری جهان و هستی

عقل ← قادر به درک لایه باطنی و حقیقی هستی است

لے که بدون تغییر و جاودانه است

۴- پارمنیدس

جهان هستی

باطن

ظاهر

↓
درک بوسه
عقل

↓
درک بوسه
حواس

ظهور سوفسطائیان در آتن

ن
اسا

دین ظهور آنا ← آراء و نظرات گوناگون و غالباً متضاد دانشمندان پیرامون جهان و

نتیجه آراء متضاد دانشمندان ← غالب شدن تشویش و نگرانی بر مردم

بداننده شدن پذیر بی اعتمادی نسبت به دانش و اندیشه

در ذهن مردم

سوفیست ها ← مادیان بی اعتباری علم و اندیشه

← نظریات اندیشمندان را بی پرده می دانستند

← دلیل آنا این بود ← سخنان آنا با بلند مرتبه متضاد است

← آنا نتوانسته اند تفسیر درستی از

جهان به دست آورند

به جای آموزش علوم

← به فن سخن وری روی آوردند

به جای رسیدن به حقیقت ← پیروزی بر رقیب ← راه هدف قرار دادند

و در نهایت ← اصل حقیقت و واقعیت را انکار کردند